

فمینیسم به مانند امپریالیسم*

نویسنده: کات هارین راینر**

ترجمه: فاطمه رئیسی

هفته گذشته رهبر حزب آزادیخواهان (آمریکا) طی نامه‌ای به سازمان ملل این مطلب را نوشته و ابراز داشته: « با احترام فراوان به زنانی که در خاورمیانه و فراتر از آن می‌توانند طعم پیروزی و آزادی را بچشند» او در مجله تایمز می‌نویسد: «سرکوبی نهضت زنان در هرجا و در هر زمانی کار غلطی است و این نکته مطرح است که حمله به عراق به خاطر آزاد سازی زنان عراقی از بند اسارت و حجاب بوده است.» (!!!) اگر افغانستان آماج بمبهای آمریکایی قرار گرفت برای آزادی زنان از پوشش بوده؛ خصوصاً زمانی این مسئله اوج گرفت که لورا (همسر بوش) از افغانستان دیدار کرد و ادعا نمود که زدن لاک ناخن برای زنان در افغانستان مستوجب شکنجه است.

و بوش به بهانه‌های نامعلوم و ساختگی به عراق حمله کرده و جای تعجب این است که زنان و کودکان را هدف قرار داده است و اگر به این نقل قول توجه کنید بیشتر تعجب می‌کنید، که بوش می‌گوید: «در هر جای دنیا زنان به جنگ‌هایی که آمریکا به راه می‌اندازد حق می‌دهند» سؤال می‌شود جای بعدی که آمریکا

* Guardianunlimited

**Katharine Riner

حمله خواهد کرد کجا خواهد بود؟ شاید چنین! چون فرهنگ مردانه مسلط و تضعیف جنس مونث در آن حاکم است. یا شاید به این دلیل که سیاست تک‌فرزندی دارد؟! شاید هند باشد زیرا در آنجا سوزاندن بیوه‌ها بعد از مرگ همسرانشان رواج دارد؛ یا انگلستان چون از نظر جرم‌شناسی نرخ محکومیت به دلیل تجاوز علیه زنان نادیده گرفته شده؛ یا مجازات پایینی دارد (۱۴)!

از این بخش نتیجه می‌گیریم که در واقع بوش طرفدار زنان نیست زیرا در همان ابتدای شروع حکومتش تمام بودجه‌های مربوط به سازمانهای بین‌المللی زنان را قطع کرد و همچنین از پرداخت بودجه‌هایی که برای سقط جنین یا مشاوره خانواده بود، ممانعت کرد.

بوش ۲۲ ژانویه امسال را به نام رو در مقابل وید نامید (Roe vs wade) که به معنای روز تقدس ملی در زندگی بشر می‌باشد. او همچنین سقط جنین را با مسئله تروریسم مقایسه کرده و می‌گوید «در ۱۱ سپتامبر به وضوح دیده شد که هنوز رذالتها و بدیها در جهان وجود دارد و دیگر زندگی بشر ارزشی ندارد. پس، ناچاریم تا در مقابل این رذالتها و حکومت‌های استبدادی بجنگیم تا از زندگی بشر حمایت کرده باشیم.»

با این حال، این دزدیهای ادبی از مسئله فمینیسم که بوش انجام داده، چیز جدیدی نیست، خصوصاً اگر عملکرد آن در سطح ملتها منظور نظر باشد، و دیدگاه تساوی با زنان را با مطرح کردن آزادی زنان ترویج داده باشند.

در بخش «یادی از تاریخ» می‌گوید؛ در عصر ویکتوریا، اقدامات امپریالیستی در قرن ۱۹ به راه افتاد و از همان زمان جنبشهای در حال رشدی برای حمایت از زنان پیدا شد. البته این جنبش‌ها ثمراتی را در جامعه کسب کرد. که نمونه آن این بود که زنان توانستند وارد دانشگاه بشوند، قوانینی برای زنان وضع شد که با کسی که

خودشان تمایل دارند ازدواج کنند. ولی در همان زمان نیز در کل دنیا از فمینیسم و حمایت از زنان بخاطر کسب غنایم مستعمرات، سوء استفاده می شد. یک نمونه از ماجرای استعمارگران؛ لرد کرومر^۱، سرکنسول انگلیس در مصر از سال ۱۸۸۳ تا ۱۹۰۷، بوده است.

کرومر عقیده داشت که دین اسلام و جامعه اسلامی علت اصلی تحقیر و کوچک شمردن زنان است و بعضی از انتقادات را به کشورهای شرقی وارد کرده است. این انتقادات جسته و گریخته معطوف به این نکته است که اسلام تهدیدی برای زنان به حساب می آید. او می گوید: «یکی از مواردی که اسلام زنان را تحقیر کرده حجاب زنان و جدا کردن آنها از جامعه مردان است و همین امر مانع بزرگی برای ترقی زنان مصری در مقابل زنان غربی است. مصریها برای متمدن شدن باید نسبت به برداشتن حجاب متقاعد شده و یا با زور کشف حجاب کنند. اما این آینده‌نگریها زمینه ساز ورود دولت استعمارگر انگلیس (به خاطر فمینیسم) به این کشور بود.

کرومر پایه گذار و مسئول لیگ مردانی بود که مخالف‌حقوق‌رای برای زنان بودند، و از هر طریقی که ممکن بود، می‌خواست حق رای از زنان سلب شود.»
از نظر او طبقه متوسط جامعه، نهایت تمدن‌گرایی را نشان می‌دهند. به نظر او پول در همه جای دنیا کاربرد دارد. ادعای رعایت حق زن در هر جامعه‌ای که تحقیر زنان به‌گونه‌ای مطرح شده، موفقیت‌آمیز خواهد بود. آنها صرفاً می‌خواستند زن ستیزی شرقی را جایگزین زن ستیزی غربی کنند. درست مانند بوش که زنان فمینیست را علیه فرهنگ‌های بومی و محلی بکار می‌گیرد. بعدها خانمی بنام لیلیا احمد پایه گذار نهضت زنان در عالم اسلام شد. او می‌گوید «فمینیسم به عنوان

^۱ - Lord Corner

ملعبه‌ای در خدمت استعمار بوده است و همیشه با ادعای پدرسالاری یا زن‌گرایی مطرح شده است.»

او معتقد بود: مطرح کردن ایده فمینیسم غربی، یعنی حمله به جوامع بومی و حمایت از به قدرت رسیدن اروپا در ممالک دیگر است. او همچنین معتقد است؛ دزدان زبان و ادبیات فمینیستی نمی‌توانستند به طور واقعی از زنان تحت سلطه و یا کشورهای مورد حمله خود حمایت کنند. مثلاً در مصر کرومر فعالانه کوشید که وضعیت زنان از آنچه که هست، بهتر نشود مثلاً شهریه‌های مدارس را بالا برد تا از آموزش دختران جلوگیری شود. و مانع آموزش بیشتر به پزشکان زن شد و جالب اینکه بوش زنان افغانستان را رهاکرد، با اینکه لورویلر به خاطر همسرانشان در افغانستان ماندند و آموشد داشتند، ولی زنان افغانی مدام در ترس از غارت طالبان بودند و طالبان به نوعی آنها را سرکوب می‌کرد. در حالی که وزیر زنان افغانستان سیماسامرلب به اعتراض گشود و در پی آن دو زنی که در حکومت حامد کرزای نقش زیادی داشتند مجبور شدند به خاطر تهدید شدن به مرگ، شغلشان را از دست بدهند.

پذیرش فمینیسم بدون حمایت از زنان آن جامعه در روی زمین بدون پیامد منفی نخواهد بود. به طور احتمالی باید گفت که آنها استعمارگرانی نیستند که از درد زنان رنج ببرند.

لیلا احمد می‌گوید: سوءاستفاده استعمار از فمینیسم برای ارتقای فرهنگ استعماری و از بین بردن فرهنگ خودی است.

استفاده از فمینیسم در جوامع غیر غربی یک ابزار در دست سلطه‌گرانی است که می‌خواهند آن جامعه را لکه دار کنند و این ترجمان تردید و شک در دنیای

اعراب است که آسیب زدن به موجودیت زنان با تمایلات استعمارگرانه آنها همسو می‌باشد.

بسیاری از زنان مسلمان به فمینیسم به سبک غربی با شک و تردید می‌نگرند، زیرا فمینیست غربی همانطور که کرومر ادعا می‌کرد در پی از بین بردن حجاب به بهانه آزادی دادن به زنان است.

طبق دیدگاه شیرین سدا؛ فمینیسم غیردینی فمینیستی که غرب ساخته تا کشورهای عربی را به دام بیندازند.

زنان عرب شیوه غربی فمینیسم را نپذیرفتند و این بدان معنا نیست که آنها همیشه تسلیم جنس مخالف باشند. زنان مسلمان مانند زنان غربی با زن‌ستیزی مخالف‌اند، آنها می‌دانند که ممکن است در جوامع اسلامی آنها سرکوب شوند. براستی چرا؟ زیرا آزادی برای آنها به معنای از بین رفتن هویت، مذهب یا فرهنگ بومی است و به همین دلیل بسیاری از آنها خواستار حفظ حجاب هستند.

نتیجه‌گیری

در واکنش به این جریان، شاخه خاصی از فمینیسم اسلامی در سالهای اخیر گسترش پیدا کرده که نه بسیار غربی است نه مادی و نه سنتی اسلامی، بلکه این دیدگاه می‌کوشد به مسائلی بپردازد که مسئله انقیاد زنان را در درون چارچوب اسلامی رعایت کند و تاثیر روزافزون نظریه‌های لیلا احمد و فاطمه مرسینی از مهم‌ترین این دیدگاه‌هاست.

در غرب فمینیستها به این واقعیت توجه نکردند که عقاید آنها از طرف رهبران جهانی برای زنان، حمایتی را فراهم نمی‌کند، بلکه یک سوء استفاده از جریان فمینیسم برای این کشورهاست. یکی از این جریانها بی‌اعتبار شدن فمینیسم غربی

برای زنان عرب است. بوش درحالی شعارهای زن گرایی می دهد که فمینیسم قدرتش را از دست داده است.

اما این دزدی در روح زمان همیشه قرار داشته است، که بقبولانند فمینیسم برای هر چیزی که در این زمان مورد نیاز است؛ کارایی دارد. ولی هدف، از بین بردن معلولیت‌های جسمی زنان و تبدیل آنان به عنوان یک کالای هرزه بوده که به مردان اجازه می داد تا به تجاوزات جنسی علیه زنان ادامه دهند. و زنان به خاطر نقشی که قبلاً در تبلیغ مارک یک شامپو دارند، احساس عزت نفس کرده و جای تعجب نیست که آمریکا باید بر سر زنان و کودکان بی پناه این کشورها بمب های چند تنی بریزد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی